

## راه سازی مسجد مقدس جمکران

از طریق حریم راه آهن قم - کاشان

ابوالفضل عرب زاده \*

### مقدمه

وقتی يك پيرمردی زیر خاک مدفون می شود يك كتاب تاريخ زیر خاک می رود. معمولاً انسان ها در زندگی خود خاطراتی دارند که بازگو کردن آن ها برای جامعه و تاریخ بی فایده نیست. اینجانب بیش از هشتصد صفحه خاطرات خود را نوشته که پراکنده است و آنچه که در سینه دارم و نوشته نشده بیش از آن است که نوشته است.

از جمله نوشته ها راه سازی مسجد مقدس جمکران است که در آن زمان مسجد صاحب الزمان می گفتند و گوشه ای از این خاطرات است که در ذیل می آید.

در فرهنگ و آداب و رسوم اسلام مسجد حکم دانشگاه را دارد و به منزله مکانی برای ارشاد جامعه و انجام واجبات دینی و توجه به مسائل و نیازهای اجتماعی بشمار می رود. در این زمینه آیات فراوانی نیز بر پیامبر گرامی اسلام نازل شده، در قرآن کریم، لفظ مسجد و مساجد مجموعاً ۲۸ بار در قرآن آمده است. که از آن جمله است: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ﴾ «همانا مساجد خدا را کسانی تعمیر می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت داشته

\* استاد عربزاده ساهلاست که ریاست کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه را برعهده دارند.

باشند». و آیه‌ی: ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾<sup>۱</sup> «مسجدی که از نخستین روز بر اساس تقوا ساخته شده سزاوار است که در آن مقیم باشی». این آیه به ما دستور می‌دهد، که ساختن مسجد باید بر اساس تقوی و پرهیزکاری باشد، یعنی خود مسجد پایگاه تقوی و فضیلت باشد و هم بانیان آن اهل طهارت نفس و پرهیزکاری باشند. اهل مسجد نیز باید اهل طهارت باشند، کمال اهل مسجد آنگاه حاصل خواهد شد که ملکه طهارت را احراز کرده باشند. همچنین در روایات معصومین علیهم‌السلام سفارشهای بسیاری درباره مسجد شده است. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «أحب البقاع الی الله المساجد».<sup>۲</sup> محبوب‌ترین زمین نزد خدا مسجد است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «من بنی مسجدا بنی الله له بیتاً فی الجنة»<sup>۳</sup> - هر کس مسجدی بنا کند، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای را بنا کند. مسجد به لحاظ اصالت دینی و داشتن ریشه‌های عمیق تاریخی و مذهبی، تأثیر بسیار حساس و تعیین کننده‌ای بر ارتقای سطح فرهنگ دینی دارد. تاریخ نشان می‌دهد، مساجد تنها مکان نماز و عبادت نبود، و تنها مرکز سجود نیست، هر چند به این نام نامیده شده و نیز تنها محل عبادت نیست هر چند آن را معبد می‌نامند. بلکه سنگر اصلی دین اسلام، پایگاه تحصیل معارف، تهذیب نفس و مبارزات سیاسی، اجتماعی، نظامی و مکان برگزاری نمازهای جمعه و جماعت و ذکر و دعا، محل قضاوت، مکان ایراد خطابه‌ها، سخنرانیهای مؤثر و محل جمع آوری کمکهای مردمی بوده. و بطور کلی اجرای برنامه‌های اجتماعی جامعه اسلامی است.

مسجد قبا که به عنوان اولین اقدام حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه آغاز گشت قبل از آنکه حضرتش اقدام به امور دیگر بنماید، اهمیت حیاتی این پایگاه عبادی، سیاسی را بیشتر نمایان می‌سازد. مساجد هر چند همه خانه خداست، ولی بعضی مساجد خصوصیتی دارد که مساجد دیگر ندارند. مانند مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجد سهله و... و مسجد مقدس جمکران که از قداست و احترام خاصی برخوردار است و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از آن خبر داده است.<sup>۴</sup> و به فرمان حضرت ولی عصر علیه‌السلام، به شیخ حسن مثله

۱. توبه: ۱۰۸.

۲. مستدرک سفینه البحار: ج ۱ ص ۳۴۵.

۳. وسائل الشیعه: ج ۳ ص ۴۸۵.

۴. انوار المشعشعین با تحقیق انصاری قمی ج ۱ ص ۴۵۳.

جمکرانی در بیداری دستور ساختن مسجد را در محدوده معین دریافت نموده است. این مسجد برای هدف بزرگی در این منطقه‌ی معین از شهر مذهبی قم و با تشریفات خاصی ساخته شده، مشروح فرمان مقدس حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه را علامه میرزا حسین نوری متوفای ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۰ در کتاب نجم الثاقب فی احوال امام الغائب صفحه ۲۱۲، چاپ علمیه اسلامیة و کلمه طیبه صفحه ۳۳۷ و جنة المأوی که ناشر بحار این کتاب را در بحار الانوار ج ۵۳، صفحه ۲۰۰ چاپ نموده است، همچنین در کتاب تاریخ قم و انوار المشعشعین و بسیاری از علما و اندیشمندان قضیه بنای مسجد مقدس جمکران را در بعضی از تألیفات خود آورده‌اند. با کمی دقت معلوم می‌شود منبع اصلی و مأخذ این موضوع، کتاب (مونس الحزین) مرحوم شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱) است که شیخ آقا بزرگ رحمته الله در کتاب الذریعه ج ۲۳، صفحه ۲۸۲ به آن اشاره دارد و کتاب مونس الحزین را منتسب به شیخ صدوق رحمته الله می‌داند.<sup>۱</sup> همانطور که می‌دانیم و معروف و مشهور است در طول تاریخ کراماتی از مسجد مقدس جمکران به ظهور رسیده و حاجاتی بواسطه این موضع شریف برآورده شده که باعث حیرت و اعجاب گردیده است. بسیاری از کرامات در نشریات انتشارات مسجد مقدس جمکران طبع و نشر شده است. بطور کلی این مسجد شریف از ابتدای تأسیس آن سال ۳۹۳ هجری<sup>۲</sup> از همان زمان تا امروز که شهرت جهانی دارد، مورد احترام علمای اعلام و کافه شیعیان می‌باشد. حضرت آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله می‌فرمودند: بعد از مسجد سهله این مسجد بهترین مقام و بهترین جائی است که منتسب به حضرت ولی عصر عجل الله فرجه می‌باشد. شنیدم حضرت آیت الله بروجردی می‌فرمودند: اگر برای من مقدور بود نمازهای واجب روزانه خود را در مسجد جمکران ادا می‌کردم.



### خاطره‌هایی از راه‌سازی مسجد جمکران

مسجد جمکران قم، که به امر حضرت ولی عصر عجل الله فرجه در شب ۱۷ ماه مبارک رمضان سال

۱. در کتاب انوار المشعشعین با تحقیق محمد رضا انصاری قمی در پانویس ج ۱ ص ۴۴۲-۴۴۳ در رابطه با کتاب مونس الحزین مطالبی دارد و کتاب مونس الحزین را از مرحوم شیخ صدوق نمی‌داند. والله اعلم.
۲. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار ج ۵۳ ص ۲۳۴ به نقل از سید نعمت الله جزائری سال ۳۹۳ را سال ۳۷۳ آورده و اشاره به اشتباه کاتب دارد تا با کتاب مونس الحزین و تاریخ فوت مرحوم صدوق مغایر نباشد.

۳۹۳ هجری (بیش از ده قرن پیش) در محدوده‌ای معین توسط حسن مثله جهمکرانی، که مردی صالح، و با ایمان بوده است، احداث و بنا گردید، و امام دستور فرمودند: چهار رکعت نماز در این مسجد بخوانند. دو رکعت نماز تحیت مسجد (با آداب مخصوص) و دو رکعت نماز که همان نماز معروف امام زمان علیه السلام (با آداب مخصوص آن) که در حاشیه صفحه ۳۲۷ مفاتیح الجنان آمده است و در پایان فرموده‌اند: (فمن صلی هما فکانما صلی فی البیت العتیق)، کسی که این دو رکعت نماز را در این مکان بجا آورد مثل این است که در بیت العتیق (که محل عبادت فرشتگان است) به جا آورده است.

این مسجد از همان زمان مورد توجه بزرگان دین و محل استجاب دعا و حل مشکلات بوده است، و چند مرتبه به عمارت مسجد اصلی اضافه بنا شده لیکن محدوده‌ای که حضرت معین فرموده‌اند حفظ گردیده، ابتدا توسط شیخ حسن مثله جهمکرانی و بعد در زمان شیخ صدوق، سپس در زمان سلاطین صفویه توسعه یافته و در زمان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، همچنین در این اواخر توسط مرحوم حاج آقا محمد آقازاده تعمیراتی انجام گرفته است و آخرین بنای تاریخی آن که از سال ۱۱۶۷ هجری قمری بود، در نوسازی و گسترش سالهای اخیر تخریب گردید. در این زمان، مسجد مقدس جهمکران شهرت جهانی دارد و دارای تشکیلات مفصل است که شب‌های چهارشنبه و جمعه از بلاد دوردست برای اقامه نماز و توسل به حضرت ولی عصر علیه السلام جمعیت زیادی بالغ بر ده‌ها هزار نفر به آن مکان مقدس روی می‌آورند، که توضیح و شرح آن در کتاب‌های مربوطه و بیلان مسجد مقدس جهمکران قم آمده و شرح آن در این مختصر نگنجد.

زمان مرحوم آیه الله بروجردی رحمته الله که این مکان مقدس مورد احترام معظم له بود، و می فرمود: (اگر برای من مقدور بود نمازهای واجب روزانه خود را در مسجد جهمکران ادا می کردم). شخصی اقدام نمود تا جاده‌ای از راه کاشان، از نزدیک امامزاده شاه جمال غریب، برای مسجد احداث نماید. چون مسجد جهمکران راه مناسبی نداشت، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اظهار می داشتند اگر موفق شوم در قم دو کار دیگر انجام خواهم داد، یکی راه مسجد جهمکران و دیگر بیمارستان. بهر حال مسجد مقدس جهمکران را، یک راه از دروازه قلعه بود که اکنون به نام خیابان هنرستان و باغ کرباسی معروف است، که حدود یک فرسخ و اندی می شد و راه دیگری از طریق جاده قدیم کاشان، که از دامنه کوه خضر می رفت. آن راه ماشین رو، ولی دست انداز و

ناصاف بود و مشکلات فوق العاده‌ای داشت. آن راه، حدود سه فرسخ می شد، و ابتدای آن از جاده اصفهان که اکنون خیابان صفاشهر است شروع و از دامنه کوه‌های کله قاضی (کلاه قاضی)، کوه خضر، دوبردان تا سه راهی قزقلعه‌سی تقریباً مستقیم بود، بعد به طرف شاهزاده علیرضا، معروف به امامزاده (حاج صفر) تا مسجد جمکران می آمد. ما در آن زمان این مسیر را حدود سه ربع تا یک ساعت با ماشین طی می نمودیم که خود خاطره‌ها و داستان‌هایی دارد، خوب است این قضیه را بنویسم که شاهد مثالی است برای خرابی این راه، و ذکر خیری است از مرحوم ملاحسین مولوی رحمته‌الله.

حزب عرق چین که (مرحوم آقای بیگدلی خیاط، آخرین نفر آنها و از اولیاء الله بود اکنون که سال ۱۳۹۰ است حدود دو سال از فوت ایشان می گذرد) دیگر از آقایان کسی باقی نمانده، خداوند ایشان را و گذشتگان آنها را رحمت کند. بیشتر اجتماع حزب عرق چین در مسجد امام حسن عسگری علیه السلام بود، از آن جمعیت هم خاطراتی دارم، در مورد برچیده شدن مشروب فروشی‌ها و فاحشه‌خانه‌های قم انشاء الله برای عبرت در تاریخ، خواهم نوشت. داستان مرحوم مولوی چنین است، چند نفر از حزب عرق چین، با یک ماشین سواری جدید که تازه نمره شده بود، از راه کوه خضر به طرف مسجد جمکران می رفتند. در اثر چاله و دست انداز، ماشین، با سنگ بزرگی تصادف کرد و پنچر شد، راننده خیلی ناراحت شد، مرحوم ملاحسین مولوی دید رفیقش ناراحت است به رفقا گفت پیاده شوید، می خواهیم اینجا سینه بزیم. آستین‌ها بالا و دکمه پیراهن را باز کنید، آماده شوید (به اصطلاح نوحه خوان‌ها) دم بگیرید و این شعر را فی البداهه سرود و دم گرفتند.

راننده‌ی ما زار و غمگین شد      از مقدم حزب عرق چین شد  
ماشین تصادف کرد      گویا تعارف کرد

بعد با سخنان شیرین از راننده دلجوئی کرد. این خلاصه داستان است، منظور این است که جاده دامنه کوه خضر خیلی خراب بود و گاهی در زمستان بسته می شد. به هر حال از موضوع دور شدیم. صحبت از راه کاشان به طرف مسجد جمکران بود. این شخص می خواست از همین محدوده‌ای که اکنون از جاده کاشان به طرف مسجد جمکران می رویم، جاده‌ای احداث نماید. در نقشه‌ای که ترسیم گشت، باغی در مسیر بود، که جاده از زمین‌های پشت باغ آقای ش. ی. که آن زمین هم ملك ایشان بود رد می شد. ایشان ممانعت کرد و گفت

اگر از جلو باغ من جاده کشیدید هر اندازه از زمین ها که لازم است، برای جاده بگیرید و اگر از پشت باغ بخواهید جاده بکشید، حتی يك متر زمین هم راضی نیستم و مانع شد. و اگر از جلوی باغ ایشان جاده رد می شد، به زمین صغیری برمی خورد که مرحوم آیه الله بروجردی اجازه نمی دادند، و آن شخص محترم با اینکه هزینه قابل توجهی مصرف نموده بود مایوس شد و رها کرد و رفت.

ما چند نفر بودیم، شب های چهارشنبه، گاهی پیاده و گاهی با دوچرخه از راه دروازه قلعه به مسجد جهکرا می رفتیم. بعضی مواقع به خصوص در زمستان، وقتی نماز مغرب و عشاء تمام می شد خادم درب مسجد را می بست. جز ما چهار نفر کسی دیگر، شب های چهارشنبه در مسجد نبود. کم کم جمعیت زیاد شد تا به حد دو، سه اتوبوس رسید، که از جاده کوه خضر راه خاکی سه فرسخی و خراب می رفتیم و مشکل تردد داشتیم. به فکر جاده مناسب افتادیم. ما سه نفر متحد شدیم که تمام مشکلات را تحمل نمائیم بنام های حاج میرزا محمد رضوانی (شیشه بر) عضو برجسته حزب عرقچین و (متصدی مسجد امام حسن عسگری علیه السلام) که پایه ریزی توسعه فعلی مسجد امام حسن عسگری علیه السلام هم به دست ایشان پی ریزی شد، و ابتدا چند قطعه ملک هم به نام ایشان خریداری شد، و وقف مسجد گردید. بعد از اینکه ایشان مریض شد، املاک به نام آیه الله گلپایگانی خریداری و وقف می شد. همچنین ایشان در پس گرفتن املاک جلوخان مسجد که خود داستان تاریخی دارد که اگر موفق شوم بیان می کنم نقش مؤثری داشت.

به هر حال حاج میرزا محمد رضوانی رحمه الله تعالی مرد فعالی بود و آقای دیگری به نام حاج رضا آهنگر که اکنون در سه راه غفاری مغازه دارد و این جانب ابوالفضل عرب زاده. ما سه نفر ابتدا دو سه جلسه مقدماتی تشکیل دادیم و تصمیماتی گرفته شد، پشتوانه علمی و روحانی ما مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی؛ (۱۳۳۴-۱۴۰۶) بود. ما سه نفر فوق الذکر، ابتدا از آقای حاج علی کوچک زاده قناده (گذرخان) هر نفر صد تومان قرض کردیم و سفته به آقای حاج علی قناده دادیم. با سیصد تومان جاده را شروع کردیم و قبضه هائی چاپ کردیم به مبلغ پنج تومان و ده تومان و بیست تومان، کمی هم پنجاه و صد تومانی، و چند نفر را در بازار قم و دیگر نقاط شهر معین کردیم برای جمع آوری کمک های نقدی و آقای حاج عباسعلی و حاج غضنفر یزدی، هم تراکتور خود را در مواقع بی کاری برای کمک، می فرستاد.

آقای خلیل جمکرانی (قهوه چی مسجد جمکران)، سرعمله و چند کارگر هم از جمکران آمدند، و مقدمات کار فراهم گشت، مشکل اصلی ما، راه آهن بود که یا می بایستی از زیر راه آهن گذرگاه ماشین رو، و یا از روی راه آهن پل ساخته شود و هزینه سنگینی داشت، لذا ما نقشه جاده را از خیابان کارخانه ریسباف که اکنون بلوار امین نامیده می شود. از خیابان ۲۰ متری گلستان تا نزدیک مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام و بعد به طرف دست چپ تا حریم راه آهن و از آنجا تا مسجد جمکران ترسیم کردیم که طول راه نزدیک به ۷ کیلومتر می شد. ابتدای جاده سه متر از حریم راه آهن و سه متر از املاک شخصی، مزروعی، با اجازه کتبی صاحبان زمین شروع کردیم. با چنین سرمایه ای ضعیف چنین افراد ضعیف تر، هیچ کس باور نمی کرد جاده کشیده شود، ولی ما با توکل به خدا و به امید کمک های غیبی حضرت صاحب الزمان علیه السلام شروع کردیم. ابتدا رفتم پیش آقای خلیل خان آدابی، پیشکار آقای تولیت و قضیه را نقل کردیم. ایشان با ناپاوری فرمودند بیشتر این زمین ها مربوط به ما است (یعنی تولیت)، شما بروید از آخر، یعنی از درب مسجد شروع کنید، تا من یقین کنم که جاده کشیده می شود. آن وقت آنچه شما لازم داشته باشید اجازه اش را می گیرم. جاده از طرف مسجد تا باغ حاج حسین گلاب و گذر زیر راه آهن دروازه قلعه، در حریم راه آهن نبود و مشکل چندانی نداشت. جاده ای بود باریک که عرض ترمی شد، از بعد از گذرگاه جاده دروازه قلعه به طرف شهر سه متر از حریم راه آهن و سه متر از زمین های شخصی با اجازه صاحبان زمین شروع کردیم. همین که مقداری پیش رفت به زمین آقای تولیت برخوردیم. آقای آدابی تقریباً یقین کرد راه درست می شود چون بیشترین زمین ها مربوط به آقای تولیت یا اجازه ایشان می شد، به هر حال با هر سختی که بود اجازه گرفتیم و از دیگر صاحبان زمین ها نیز اجازه گرفتیم، حتی بعضی ها که اختلاف میراثی داشتند، در مورد واگذاری زمین استقبال نمودند. به هر حال جاده سازان با عشق و دلگرمی و کمک های مردمی مشغول بودند، هم از طرف شهر قم و هم از طرف مسجد جمکران کارگران مشغول کار بودند. احداث این جاده خاطره هائی دارد که بعضی از آنها را در دفتر خاطرات یادداشت کرده ام. از جمله خاطره سرگرد مشرف رئیس پلیس راه آهن و بازرسان راه آهن، و خاطره اجازه زمین از مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا شهاب اشراقی، و... و خاطره حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام و عمو جواد. یکی از نعمت های خداوند در احداث این راه، وجود آقای حاج ادیبی علیه السلام بود که اغلب اوقات، با زبان روزه بدون گرفتن اجرت، تمام پل های جاده را

او ساخت، و بعضی اوقات با زبان روزه نصف روز کار می کرد خداوند اجر کسی را ضایع نمی نماید. با داستان مفصلی که دارد، زمین های شهر قائم فعلی در اختیار حاج ادیبی رحمته الله قرار گرفت، ایشان زمین ها را قواره بندی کرد و بناهای عام المنفعه به خرج خود در آنجا احداث نمود که اکنون پابرجاست و این جانب اجازه چند قواره زمین برای مستمندان از ایشان دریافت کردم که در قضیه ایجاد صندوق ذخیره علوی و پشتوانه مالی آن به آن اشاره کرده ام. قبر ایشان در محل مقدس شیخان قم می باشد رحمته الله به هر حال یکی از مشکلات جاده وجود پل ها بود. مثلاً نهر شهرستانک نهر بزرگی است که یک چهارم آب رودخانه از این نهر می گذرد. این پل هزینه زیادی برداشت تا درست شد. در قلعه عموحسین چندین نهر وجود داشت که می بایست پل بندی شود (اکنون هم که منطقه مسکونی شده است به همین نام مشهور است) لذا این قسمت را گذاشتیم در آخر سر انجام دهیم. جاده از طرف شهر تا نزدیک قلعه عموحسین رسید، و از طرف مسجد نیز تا زمین هائی که در حال حاضر یزدانشهر نامیده می شود، تقریباً تمام شده بود. در اینجا لازم است نام حاج عباس علی یزدی که تراکتور او مجانی در اختیار جاده بود حتی حقوق آقا مصطفی راننده تراکتور را هم ایشان و آقای حاج غضنفر یزدی پرداخت می نمودند، به نیکی یاد شود. خداوند همه شان را رحمت کند.

### آیه الله العظمی مرعشی نجفی اعلی الله مقامه و عموجواد

عموجواد پیرمردی بود فلج، که در خیابان چهارمردان، تکیه سیدان مغازه محقری داشت، و رفت و آمد او با الاغ بود. قطعه زمینی در قلعه عموحسین داشت که چند درخت در آن بود. می بایست از ایشان اجازه گرفت، درخواست زمین را برای جاده به او پیشنهاد کردیم. ایشان گفت من مردی فلج هستم، و از این زمین امرار معاش میکنم. اگر به شما واگذار کنم گمیتم لنگ می شود. [منظورش این بود که زندگی من از این زمین اداره می شود].

گفتیم ما همه زمین را نمی خواهیم. طول زمین شما حدود سی و پنج متر است. ۳ متر در ۳۵ متر تقریباً صد متر می شود. ماشاء الله شما زمینتان خیلی زیاد است. صد متر اثری نمی گذارد. قبول نکرد. او اخلاق خاصی داشت. در آخر سر که می خواستیم خدا حافظی کنیم، گفت: من راضی نیستم قدم توی زمین من بگذارید تا چه رسد جاده بکشید. ناگفته نماند بعضی مالکین علاوه از اجازه زمین، کمک های نقدی هم می نمودند. بعضی ها هم مثل عموجواد سختگیری می کردند. هر گاه مشکلی از این قبیل پیش می آمد و نیازی به نصیحت و موعظه و... و اجازه



امور حسبیه بود از آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری رحمته الله علیه، کمک می گرفتیم. قضیه را برای معظم له نقل کردیم. ایشان فرمودند جاده برای مسجد جمکران کشیدن يك امر مستحبی است. بدون رضایت صاحب زمین در زمین کسی رفتن خلاف شرع است، شما به خاطر يك عمل مستحبی، فعل حرامی را می خواهید انجام دهید؟ نکند این کار را و تعطیل کنید. گفتیم آقا ۹۰٪ جاده تمام شده، ما از مردم پول گرفتیم، آبروریزی دارد. فرمود از طرف من این جواب شما است. یا رضایت ایشان را حاصل کنید، یا جاده را تعطیل نمائید و راه سو می ندارد. آمدیم بیرون و يك جلسه سه چهار نفری تشکیل دادیم، از جمله حجة الاسلام آقای حاج سید محمد ورامینی، امام جماعت (مسجد قریه جمکران) بود تا راه حلی پیدا کنیم. یکی از آقایان پیشنهاد کرد آیه الله العظمی مرعشی نجفی شاید بتواند گره گشائی کند. فردای آن روز رفتیم خدمت آیه الله العظمی مرعشی نجفی و قضیه را گفتیم. حضرت آیه الله مرعشی فرمودند اگر بتوانید ایشان را بیاورید اینجا انشاء الله درست خواهد شد. ناراحت نباشید. آقا امام زمان کمک خواهد کرد، رفتیم پیش عموجواد و گفتیم آیه الله نجفی مرعشی می خواهد شما را ببیند. با تعجب پرسید (منو) گفتیم بله. به اتفاق عموجواد، نزدیک ظهر بود رفتیم خدمت آیه الله مرعشی؛ معظم له کمی نصیحت و موعظه نمود و فرمود: این آقایان از زمین شما منافع شخصی نمی برند جاده برای مسجد است، شما هم اگر در این امر خیر شرکت کنید بسا خداوند به اندازه این زمینی که می دهید به بقیه محصولات شما برکت دهد، و از این قبیل نصایح فرمودند. پس از یکی دو ساعت صحبت، بالاخره عموجواد راضی شدند که مبلغ پانصد تومان بگیرند، پس از گفتگوهای زیاد حاضر به کمتر از پانصد تومان نشدند. آقا فرمودند چاره ای نیست پول را بدهید. حاج میرزا محمد در حضور حضرت آیه الله العظمی مرعشی رحمته الله علیه پول را پرداخت و معامله انجام شد، و هرسه نفر از آقا تشکر کردیم و از منزل بیرون آمدیم. رفتیم تراکتور و آقا مصطفی را آوردیم که درخت ها را بکند. درخت ها خیلی کهن نبودند می شد بازنجیر و تراکتور از زمین کند. بعد از ظهر که خواستیم درخت ها را ببندیم، آقای عموجواد آمد و گفت راضی نیستم دست به درخت ها بگذارید.

پس از بحث و گفتگو، مجادله و منازعه کار را تعطیل کردیم. گفت مرا ببرید پیش آقای نجفی. فردا رفتیم خدمت آیه الله مرعشی نجفی. عموجواد گفت آقا من در این معامله مغبون شدم. حضرت آیه الله مرعشی پس از نصیحت فرمود: شما بیش از قیمت زمین پول گرفته اید، کجا مغبون شده اید. حالا حرف حساب شما چیست. چی می خواهید. گفت آقا من از اول عمرم تا

حالاً نه خمس داده‌ام و نه سهم امام. شما همه را قبول کنید من راضی هستم. با احتسابی که حضور حضرت آیه الله العظمی مرعشی انجام شد این مورد را هم حل و فصل فرمودند. عمو جواد خیلی خوشحال شد و می گفت آقا، سبک شدم. به هر حال مجدداً از آیه الله مرعشی تشکر کردیم و خدا حافظی نموده بیرون آمدیم. رفتیم سرزمین و تراکتور آوردیم که درخت‌ها را بیندازیم. در آنجا چهار نهر بود که می بایست پل زده شود، و سه درخت مانع این پل‌ها بود، اول می بایست درخت‌ها کنده شود. بعد پل بندی و جاده سازی شروع نمایند. به هر حال آمدیم که درخت‌ها را بکنیم عمو جواد گفت دست نگهدارید. به جدّ آقای نجفی راضی نیستم دست به درخت‌ها بگذارید، مرا ببرید خدمت آقای مرعشی. اینجاست که انسان نمی داند به عقل درک این مردم، خنده کند یا گریه. چون صاحبان این زمین‌ها حق تردد در حریم راه آهن نداشتند، با احداث این راه، رفع ممنوعیت می شد، بهر حال دو مرتبه کار را تعطیل کردیم. رفتیم خدمت آیه الله مرعشی و قضیه را نقل کردیم. آقا فرمود این مرتبه او را بیاورید کار را تمام می کنم و سفارش فرمودند وقتی که راضی شد، یکی از شما با او اینجا بنشیند و دیگری به بهانه ای برود بیرون و درخت‌ها را بیندازد. فردا رفتیم خدمت حضرت آیه الله مرعشی، عمو جواد گفت آقا این جاده غبار دارد و محصولات من را خراب می کند. دستور فرمائید پنج موره چینه سرتاسر زمین من بکشند. گرچه این کار هزینه ای داشت، ولی برای ما خیلی مهم نبود، قبول کردیم. با اشاره آیه الله العظمی مرعشی، حاج میرزا محمد رفت سراغ درخت‌ها، من و عمو جواد در خدمت آقا بودیم، از بیانات و فرمایشات معظم له استفاده می کردیم. حضرت آیه الله العظمی مرعشی رحمته الله در آن روز یادگاری به بنده عنایت فرمودند که تا آخر عمر فراموش نمی کنم، و همیشه دعاگوی ایشان هستم. همچنین معظم له تا آخر عمر چهارشنبه تراشی را ترک نکردند.<sup>۱</sup>

خلاصه حدود یک ساعت از فرمایشات شیرین و نصایح آقا استفاده کردیم و عمو جواد مورد خطاب بود و ایشان را سرگرم نمودند. زمانی که خدا حافظی نموده از منزل آقا بیرون آمدیم به اتفاق عمو جواد رفتیم سرزمین. ملاحظه شد درخت‌ها کنده شده و زمین صاف و جای پایه‌های پل هم مشغول کردن بودند. عمو جواد خنده معناداری کرد و ما تا آن روز خنده

۱. چهارشنبه تراشی دستورات و دعا و اثراتی دارد. دعای چهارشنبه تراشی چنین است: اللهم یا سبب من لا سبب له و یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب فاغثنی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین.

عموجواد رانندیده بودیم. بدین سان، این مشکل راه مسجد جمکران، بدست مرحوم آیه الله العظمی نجفی مرعشی رحمته الله حل و فصل گردید. فردای آن روز مشهدی حسینعلی طیره ای را آوردیم و پنج موره چینه را کشید، که تا این اواخر هم موجود بود.

### خاطره ای از بازرسان راه آهن

عصر يك روز آقای سرگرد مشرف، رئیس پلیس راه آهن، که مرد شریف و مذهبی بود، به ما اطلاع داد، که فردا بازرسان راه آهن برای بازرسی جاده شما می آیند. به آنها اطلاع داده اند که به حریم راه آهن تجاوز شده و جاده می کشند. مواظب باشید، من يك دوچرخه يك تنه لاره داشتم، صبح قبل از آفتاب با دوچرخه رفتم و مشهدی خلیل جمکرانی و کارگران را بردم. بعد از گذرگاه دروازه قلعه به طرف باغ حاج حسین گلاب، حاج میرزا محمد رضوانی هم رفتند. حاج علی محمد معمار را با متری بلند آوردند جائی که امروز کارگران کار می کردند. با متر برآورد شد حدود چندین متر بعد از هفده متر و نیم حریم راه آهن (قتوی) جاده بود و کارگرها مشغول کار شدند. نزدیک ساعت یازده آقای سرگرد مشرف به اتفاق چند پلیس و بازرسان آمدند. رئیس پلیس با توپ و تشریبه کارگران دستور داد کار را تعطیل کنید. ما رفتیم جلو و سلام کردیم و علت تعطیل کار را جویا شدیم.

رئیس پلیس فرمود شما در حریم راه آهن تجاوز کرده اید و مجدداً تأکید کردند تعطیل کنید. گفتیم جناب سرگرد شما کارشناس بیارید، اگر ما در حریم راه آهن تجاوز کرده بودیم تعطیل می کنیم. فرمود آقایان بازرسان راه آهن هستند که به همین منظور از طهران تشریف آورده اند. آقای حاج علی محمد معمار فرمود این متر، این هم شما. بازرس ها که خود نیز متر داشتند حریم راه آهن را مشخص کردند و معلوم شد در حریم راه آهن نیست و صورت جلسه نمودند و گزارش کردند که آقایان چند متر بعد از حریم راه آهن جاده می کشند و سوار شدند و رفتند.

فردا جناب سرگرد مشرف آمد مغازه حاج میرزا محمد و فرمود گزارش خوبی رد کردم و به شوخی گفت (نوشتن این جاده قبل از خلقت آدم کشیده شده بوده است و در حریم راه آهن نیست) خاطر جمع باشید دیگر کسی متعرض شما نخواهد شد.

### شیخ اسمعیل و چند بوته گوجه فرنگی

همان طور که عرض کردم احداث جاده مسجد جمکران، ابتدا از بلوار امین و ۲۰ متری

گلستان تا نزدیک مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام، بعد به طرف دست چپ امتداد داشت تا راه آهن، و بعد به طرف دست راست مستقیم تا مسجد جهکرا ادامه داشت. در مسیر از ۲۰ متری گلستان تا راه آهن ابتدا به زمین های آستانه مقدسه برخورد نمودیم که مرحوم خلیل خان آدابی اجازه آن را از مرحوم تولیت گرفتند. بعد به زمین های مرحوم حاج رضا حاج صفری برخورد نمودیم به نام زمین های (کرده آقا)، که ایشان هم اجازه دادند، بعد به زمین های حاج آقا شهاب اشراقی برخورد نمودیم که مجاور حریم راه آهن بود و می بایست جاده از گوشه آن زمین دور بزند و راه دیگری هم نبود. زمین حاج آقا شهاب یک لچکی حدود ۱۴ متر بود که آقای شیخ اسمعیل گوجه فرنگی کاشته بود (شیخ اسمعیل اجازه دار حاج آقا شهاب بود). در این لچکی چند بوته گوجه فرنگی داشت که تازه به بار نشسته بود.

وقتی به حاج آقا شهاب پیشنهاد زمین نمودیم فرمود مانعی ندارد چون آقایان داده اند ما هم حاضریم، ولی اسمعیل را راضی کنید. رفتیم پیش اسمعیل و قضیه و اجازه حاج آقا شهاب را بیان کردیم، در جواب گفت این بوته ها حدود بیست تومان گوجه فرنگی می دهد. گفتیم بیست تومان می دهیم. خوشحال شد و گفت من باید به حاج آقا بگویم، گفتیم حاج آقا اجازه زمین را داده است. این هم بیست تومان پول گوجه فرنگی. گفت باشد من به حاج آقا می گویم فردا خبرش را به شما می دهم. فردا آمدیم. اسمعیل گفت نظر حاج آقا این است که پنجاه تومان بگیرم. مرحوم حاج میرزا محمد رضوانی کمی عصبانی شد و گفت به قول خودت چند ماه زحمت بکشی تازه اگر بیست تومان از این ها در بیاوری. ما نقدا همین حالا بیست تومان را می دهیم چرا پنجاه تومان، گفت می دانید حاج آقا حرفی که بزند رد خور ندارد. باید پنجاه تومان بدهید. خلاصه پس از گفتگوی یکی دو ساعته حاضر شدیم پول در آوردیم بدهیم. گفت پول باشد. من به حاج آقا بگویم، بعداً پول می گیرم. شما فردا تشریف بیارید. فردا آمدیم. آقا اسمعیل گفت حاج آقا فرمودند این زمین از دست ما خارج می شود، و ما نمی توانیم بعدها هم کشت کنیم بنابراین باید یکصد تومان بدهید. خلاصه با رفت و آمدهای پیش حاج آقا شهاب و اسمعیل و گفتگوها استدلال ها و التماس ها، پس از حدود چند هفته پنج یا شش بوته گوجه فرنگی را از بیست تومان به سیصد تومان خریدیم و سدّ جاده برداشته شد، و جاده از زمین های آستانه و حاج رضا حاج صفری (کرده آقا) و زمین حاج آقا شهاب اشراقی به حریم راه آهن راه یافت و این لچکی زمین بین رفقا به سدّ اسکندر نامیده شد. (بحمد الله سدّ اسکندر



شکسته شد.)

### حفر چاه نیم عمیق مسجد جمکران

زمانی، مسجد جمکران دارای سه نفر خادم بود به نام‌های آقایان حاج آقا حسین، حاج آقا جواد و حاج آقا مهدی لسان. این سه نفر به نوبت کشیک می‌دادند و محافظ مسجد بودند و زمین‌های موقوفه اطراف مسجد نیز در اختیار آقایان بود و سهم آب مسجد از رودخانه را کدخدای جمکران در آن زمان در اختیار گرفته بود.

لذا مسجد به شدت از نظر آب در مضیقه بود، گاهی اوقات در تابستان برای وضوگرفتن بیش از یک مرتبه نمی‌توانستیم آب به صورت بزیم و رنگ آب سبز و پراز خاکشیر بود. زمانی که جاده درست شد و راه نزدیک شد، شب‌های چهارشنبه بیش از یکصد تا یکصد و پنجاه نفر بلکه بیشتر برای نماز و توسل مشرف می‌شدند و از نظر آب و دستشویی در مضیقه بودند. مرحوم حاج سید جلال رضوی فرزند حاج سید محمد رضوی بانی شد که چند توالی و یک حوض سرپوشیده برای مسجد بسازد به شرط آنکه هیچ کس خیردار نشود جز ما دو سه نفر کسی خبر نداشت که بانی این بنا کیست تا همین اواخر هم کسی مطلع نبود. آقای حاج سید جلال همان شخصی است که پل رضوی نزدیک خاکفرج را ساخته است و مقبره ایشان جنب مسجد کوچک که مقابل مسجد خانم نزدیک گذرخان است، و مرحوم آیه‌الله بهجت امام جماعت مسجد خانم، بودند. این جمله بالای مقبره ایشان نوشته است (آرامگاه ابدی سید جلال رضوی فرزند سید محمد) خداوند رحمتش کند.

به هر حال بعد از ساختن دستشویی کدخدای جمکران را هم متقاعد کردیم، که باید آب این حوض را از آب خود مسجد تأمین کند. به هر نحو بود آب حوض کمی بهتر شد ولی کفاف نمی‌داد.

یک مرد خیری پیدا شد و نذر کرد که چاه نیم عمیق برای مسجد احداث نماید. خدمه زرتگی کردند و مخفیانه محل چاه را جایی نشان دادند که آب آن کاملاً به همه زمین‌های آنها مسلط بود و از این اقدام منظورشان این بود که زمین‌هایی که ادعا می‌کردند مال شخصی است و در حقیقت موقوفه مسجد بود اول مشروب شود. بعداً اگر آب زیاد آمد حوض مسجد را پر آب کنند و چاه نیم عمیق تا به آب هم رسیده بود آقای حاج عبدالله خردمند که اکنون یکی از متصدیان مسجد امام حسن عسگری است اطلاع پیدا کرد. با اینکه چاه نزدیک به آب رسیده

بود او را از این کار منصرف کرد و با بیان خاص خودشان، بانی را روشن نمودند، که شما آب را برای وضو و تطهیر زائرین مسجد می خواهید یا برای زراعت، اگر برای زائرین مسجد می خواهید نزدیک مسجد و حدود درب ورودی، آنجا خوب است. پس از استدلال و گفتگوهای دو طرف، بالاخره بانی، چاه نیمه تمام را رها کرد، و نزدیک درب ورودی همانجا که اکنون چاه است، حفر نمودند. و مسجد از آب غنی شد. و در بین مردم مشهور شد که چاه اولی به سنگ برخورد نموده است. خداوند همه را رحمت کند. هم خدمه را و هم بانیان خیر را.

### شب چهارشنبه مسجد مقدس جمکران چهار نفر زائر داشت

در سابق شبهای چهارشنبه مسجد مقدس جمکران به این شلوغی نبود، در فصل زمستان شب چهارشنبه ما سه نفر بودیم، نزدیک غروب مشرف به مسجد جمکران شدیم، بعد از نماز مغرب و عشاء خادم درب مسجد را بست و قفل نمود و رفت داخل حجره خود استراحت کند. ما هم رفتیم داخل مسجد مشغول کار خود شدیم، هنوز چیزی از شب نگذشته بود که درب مسجد رادق الباب کردند، خادم هم اعتنا نکرد شاید حدود یک ربع ساعت پشت در ایستاده بود و به شدت درب را می کوبید، خادم هم اعتنا نداشت او پشت در مشغول مناجات شد، این جمله ایشان هنوز در گوش من طنین انداز است با حالت خاصی با تضرع و گریه می گفت: (اکرم الضیف ولوکان کافرا) یا امام زمان تو خود دعوت کردی، تو مرا طلبیدی در این هوای سرد تا پشت در آمده ام از در بسته چگونه داخل شوم از این گونه مناجات و صحبت های نمود. ما رفتیم پیش آقای خادم و تقاضا کردیم و گفتیم سیدنا پا شود درب را باز کن، گفت: ولش کن می ترسم دزد باشد، گفتیم ما با شما چهار نفریم از پس یک نفر برمی آئیم. گفت: آقا ولش کن خلاصه التماس کردیم ایشان بلند شد با چراغ بغدادی رفت قفل در را باز کرد چشمش به آقای حاج آقا حسین... که مدیر کاروان زیارتی مکه و کربلا بود افتاد بی اختیار گفت: حاج آقا حسین شما هستید و بسیار شرمنده شد. حاج آقا حسین شخصی شریف، متدین و مذهبی از رفقای خادم مذکور بود. خادم از خجالت مرتب می گفت: می خواستی خودت را معرفی کنی. ایشان گفت: سید قربان جدت برم حالا من نه، یک حاجتمندی گرفتاری و مشکلی برایش



پیش آمده در این هوای سرد برای توسل به امام زمان به این مسجد و مکان مقدس پناه آورده باید درب برویش باز نکنی؟ خادم پس از عذرخواهی فرمودند که امشب که شب چهارشنبه است ما سه نفر زائر داریم شما هم چهارمی آنها بفرمائید. خلاصه ما در یک شب چهارشنبه در مسجد مقدس جمکران چهار نفر بودیم. بحمد الله در این زمان هزاران نفر از شهرهای دور و نزدیک برای نماز و دعا و توسل و عرض حاجات به این مکان مقدس مشرف می شوند. امید است خداوند متعال دعای همه را مستجاب و حاجات همه را برآورده، آنچه خیر و صلاح آنان است به آنها عنایت فرماید.

### توسعه مسجد مقدس جمکران

پس از افتتاح راه جدید، شبهای چهارشنبه به تدریج ماشین ها از یک اتوبوس به سه و چهار اتوبوس رسید و در فصل سرما حتی برای نشستن در مسجد و ایوان جلو مسجد جا نبود، در آن زمان مسجد دارای حیاطی بود و در وسط آن حوض آب و در اطراف حیاط حجره و طاق نما در روبروی مسجد ایوان بزرگ به نام (شاه نشین) ساخته بودند و در طرف قبله قبل از ورود به مسجد سراسر حیاط ایوان بزرگ بود که راه ورود و خروج مسجد از این ایوان بود مواقعی که جمعیت زیاد بود زائرین نماز امام زمان را در محدوده مسجد اصلی می خواندند و ادعیه و اذکار را در جاهای دیگر و در این ایوان می نشستند، در فصل زمستان و سرما نشستن در این ایوان مشکل بود به قرینه این ایوان در پشت مسجد طرف قبله بلندی بود که از زمین حدود ۸۰ سانتیمتر ارتفاع داشت ما برای توسعه مسجد خدمت حضرت آیت الله بروجردی رحمته الله رسیدیم، اجازه خواستیم نیمی از فضای حیاط را ضمیمه ایوان نموده مسقف نمائیم و آن بلندی

۱. در مورد نماز در محدود اصلی و مساجدی که در ساخت و سازهای جدید بنا شده و بعضی مسائل دیگر در خصوص مسجد مقدس جمکران، سئوالاتی از حضرت آیت الله العظمی مکارم دامت برکاته شده است من جمله اینکه: آیا اضافات مسجد جمکران حکم آن را دارد یا باید اعمال مسجد در همان مسجد اصلی قدیم انجام گردد که معظم له جواب فرمودند: ظاهر این است که آنچه در مسجد توسعه داده می شود جزء مسجد است و اعمال مزبور در تمام مساجد می توان انجام داد، همانگونه که توسعه مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه نیز در حکم این مساجد است.



پشت مسجد را نیز به نحوی اضافه مسجد نمائیم. معظم له ضمن تقدیر و تشویق فرمودند: (قریب به این مضمون) اگر توسعه مسجد بیش از این لازم بود خود حضرت دستور می فرمودند، اینجا تفریح گاه نشود؟؟ اهدا ما با کمک های مردمی و خیرین ابتدا یک چادر برزنت از بالا تا پائین پوشاندیم سپس پنجره آهنی و شیشه ای سراسر ایوان نصب نمودیم، بحمد الله تعالی باز هم کفاف جمعیت را نمی داد بخصوص شب های چهارشنبه و جمعه چون راه نزدیک شده بود و هموار بود مردم به وسیله ماشین، موتور، دوچرخه و حتی بسیاری پیاده به مسجد مقدس جمران مشرف می شدند. در پراتنز این موضوع را عرض کنم که یک روز به یکی از خدام عرض کردم: چه موقعی از فصول سال مسجد شلوغ می شود؟ فرمود: وقتی که بازار کساد می شود. (مردم گرفتار می شوند).؟؟



۱. مسئولین محترم حفاظت و امنیت مسجد مقدس جمران بیش از پیش باید مواظب باشند که خدای ناکرده این مکان مقدس تفریح گاه نشود. مسجد مقدس جمران طوری باشد که فقط عنوان عبادت، توسل و توجه به خداوند متعال و حضرت ولی عصر عجل الله فرجه باشد، نه اینکه موجب نارضایتی آن حضرت گردد.